

نقش سیره قرآنی پیامبر (ص) در سبک زندگی اسلامی معاصر

محمد نظیر عرفانی *

سید کاظم سجادی **

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی الگوهای رفتاری و شخصیتی حضرت محمد (ص) بر اساس آیات قرآن کریم پرداخته و تأثیرات عملی آن را بر سبک زندگی مسلمانان در دنیای معاصر تحلیل می‌کند. مفهوم سبک زندگی، به عنوان مجموعه‌ای هماهنگ از رفتارها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی تعریف شده که تحت تأثیر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. تحقیق بر پایه رویکرد توصیفی-تحلیلی، با استناد به آیات قرآن، و گزارش‌های تاریخی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های پیامبر (ص) در حوزه اعتقادی شامل توحیدباوری، ایمان، توکل، باور به نصرت الهی و معادباوری هستند که بر هویت دینی، مدیریت بحران‌ها و مسئولیت‌پذیری مسلمانان معاصر تأثیر گذاشته و سبک زندگی را از مادی‌گرایی به سوی معنویت سوق می‌دهند؛ در حوزه ویژگی‌های فردی پیامبر (ص)، خُلق عظیم، تواضع، صبر، امانتداری، استقامت و راستگویی از جمله مواردی است که به پرورش اخلاق، کاهش تعارضات اجتماعی و تقویت اعتماد در جوامع معاصر کمک می‌کند؛ ویژگی‌های اجتماعی پیامبر (ص) شامل نرم‌خویی، مدارا، وفای به عهد، الگوی شایسته و مشاوره در امور اجتماعی است که همزیستی مسالمت‌آمیز، مشارکت مدنی و کاهش افراط‌گرایی را ترویج می‌دهد؛ در نهایت، این ویژگی‌ها الگویی ابدی برای مسلمانان معاصر فراهم می‌آورند تا در برابر چالش‌های جهانی‌سازی، فردگرایی و بحران‌های اخلاقی، به حیات طیبه و سبک زندگی اصیل اسلامی دست یابند.

واژگان کلیدی: پیامبر اعظم (ص)، سبک زندگی، قرآن مجید، توحید باوری، خُلق عظیم، الگوی شایسته.

* استادیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)، mna8181@yahoo.com

** دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت (علیهم السلام)، جامعه المصطفی العالمیه، s.ka.sajjadi@gmail.com

۱. مقدمه

در دنیای معاصر که چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده، بازگشت به الگوهای اصیل اسلامی بیش از پیش ضرورت یافته است. تحقیق حاضر با تمرکز بر ویژگی‌های پیامبر اعظم (ص) از منظر قرآن کریم، به بررسی نقش این ویژگی‌ها در شکل‌گیری سبک زندگی مسلمانان معاصر می‌پردازد. قرآن کریم، پیامبر (ص) را به عنوان اسوه حسنه معرفی می‌کند و ویژگی‌هایی همچون توحیدباوری، ایمان، توکل، خلق عظیم، تواضع، صبر، امانت‌داری، نرم‌خویی، مدارا، وفای به عهد و الگوی شایسته بودن را برجسته می‌سازد. این ویژگی‌ها نه تنها شخصیت والای ایشان را توصیف می‌کنند، بلکه معیارهای تجویزی برای زندگی مسلمانان فراهم می‌آورند. هدف این تحقیق، تحلیل این ویژگی‌ها در سه بخش اعتقادی، فردی و اجتماعی، و بررسی پیامدهای آن‌ها بر جنبه‌های سبک زندگی مسلمانان معاصر است.

۱-۱. مفهوم شناسی سبک زندگی

اصطلاح سبک زندگی از دو واژه Life و Style تشکیل شده است، معنای واژه زندگی تا اندازه‌ای روشن است؛ اما مفهوم سبک نیاز به توضیح دارد. منظور از سبک شکل دادن و یا طراحی چیزی است تا بدین شیوه جالب و جذاب به نظر بیاید. به عبارت بهتر کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار. در این صورت ترکیب این دو واژه: سبک زندگی به معنای روش خاصی از زندگی یک فرد یا گروه که باعث تمایز آن‌ها از دیگران می‌شود، به کار می‌رود؛ اما در مجموع مفهوم سبک زندگی کلیت بیشتری دارد و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را شامل می‌شود؛ بنابراین این مفهوم آن‌چنان وسیع و گسترده است که تعیین چارچوب و تعریفی دقیق از آن کاری بس دشوار است. با این حال در یک تعریف نسبتاً جامع از (گیدنز، ۱۳۸۸) می‌توان گفت: سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها، جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخورد از نوعی وحدت است. این مفهوم الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را در برمی‌گیرد و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها

و جهان‌بینی فرد و گروهی که عضو آن است را نیز باز می‌نمایاند. معانی دیگری نیز برای واژه سبک آمده است؛ از جمله: شیوه‌ای که در آن چیزی گفته یا انجام می‌شود، شیوه و روش انجام چیزی، به‌ویژه شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای نوعی باشد، نوع تصوّر و فردیت که در افعال و سلیقه‌های شخص ارائه می‌شود، طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است و شیوه یا عادت متمایز رفتاری یا حرکت فرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶)

سبک زندگی، ازجمله واژگانی است که دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف و گاه متضادی پیرامون آن وجود دارد. در زبان‌های گوناگون از ترکیب سبک زندگی در شکل‌های مختلف یاد شده است. در زبان انگلیسی به دو شکل «Style of Life» و نیز «Life style» استفاده شده است (شکاری، ۱۳۸۹) سبک‌های زندگی همان الگوهای کنش هستند که افراد بر اساس آن‌ها از هم متمایز می‌شوند؛ الگوهایی که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند و در نحوه پوشش، غذا خوردن، شیوه‌های صحبت کردن و محیط دلخواه برای ملاقات دیگران، جلوه می‌کنند. این رفتارها بازتاب هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲)

۱-۲. نقش قرآن و پیامبر (ص) در ایجاد سبک زندگی

نگاه جامعه‌شناسان به شیوه و سبک زندگی جاری در هر جامعه‌ای بدون نگاه ارزشی و تجویزی و تنها توصیفی است. آنان با تحلیل وضعیت موجود و عوامل ایجاد یک پدیده در سبک زندگی، خواسته و ناخواسته به ارزش‌گذاری سبک‌ها می‌پردازند؛ چنان‌که ماکس وبر با توصیف جوامع کاتولیک و منش پارسایی گرایی آنان، این سبک زندگی را منشای پدیده‌ای به‌عنوان دنیا‌گریزی و عدم اهتمام به تولید و اقتصاد دانسته است و در برابر منش پروتستان‌ها را عامل مهم در تولید و انباشت سرمایه و ثروت در این جوامع معرفی می‌کند. در حقیقت با بررسی وضعیت اقتصادی دو جامعه متفاوت در شیوه و سبک زندگی، به شناسایی عوامل و چرایی پرداخته و در ضمن خواسته و ناخواسته توصیه‌هایی را نیز ارائه داده است؛ ولی هرگز این توصیه‌ها در قالب تجویزی و ارزشی صرف نبوده است. به سخن

دیگر، جامعه شناسان آنچه را موجود است توصیف و تحلیل می کنند و با تکیه بر نگاه آماری، سبک زندگی افراد را توضیح می دهند بی آنکه آن را در قالب ارزش و ضد ارزش یا هنجار و ضد هنجار دسته بندی کرده و به نفی و اثبات ارزشی آن بپردازند. اما اسلام به عنوان یک فلسفه زندگی در قامت رهبری جوامع بشری ظهور کرده است تا آنچه کمال ساز برای فرد و جامعه است در قالب عقاید و اخلاق و احکام ارائه دهد و مردم را به آن سمت و سو با بشارت و انذار هدایت کند. از این روست که رهبران آن هرگز در قالب یک جامعه شناس صرف و یا روان شناس اجتماعی و مانند آن ظهور پیدا نمی کند، بلکه به عنوان عالمان ربانی عمل می کنند تا مردمان را به خدا و فلسفه آفرینش آگاه سازند و در قالب سه گانه پیش گفته، بشر و جوامع بشری را به سوی عدالت قسطی رهنمون سازند تا زمینه برای عبودیت و خلافت ربوبی بشر فراهم آید حدید، آیه ۲۸؛ آل عمران، آیه ۷۹ و آیات دیگر بنابراین، رویکرد عالمان ربانی و رهبران اسلامی به پیروی از آموزه های قرآنی و پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) ارائه چارچوبی است که همه زندگی بشر را از سرتاپا تحت تأثیر قرار می دهد و افکار، عقاید، باورها، جهان بینی، ایدئولوژی، ارزش ها، اخلاق، باید و نبایدها، رفتارها، منش ها، کنش ها و واکنش های او را می سازد. پس سبک زندگی به عنوان خرده ترین چیز در این میان نیز مورد توجه بوده و به تعبیر فقهی ارزش و خسارت یک خدشه را نیز بیان می کند؛ چراکه به تعبیر قرآن، آموزه های وحیانی آن تبیان و بیان کننده هر چیزی است (نحل/ ۸۹)

آموزه های اسلامی به عنوان معیار تجویزی و ارزشی مفاهیم و رفتارها، دارای یک نظام مفهومی کامل است که در مقام عمل دارای سلسله مراتبی است که طیف گسترده ای از رفتارها و اعمال را در قالب حقیقت می پذیرد و بایبان همه امور ریز و درشت زندگی، در انتخاب مسیر درست زندگی حضور داشته و به شخص و جامعه یاری می رساند.

این بدان معناست که اسلام هرچند در اصول کلان و مبانی و قواعد یک اصول پنج گانه اصلی دارد که شامل توحید، نبوت و معاد و نیز امامت و عدالت است؛ ولی در طول تاریخ بشریت دارای چند شیوه زندگی به عنوان شرایع بوده است. (شوری، آیه ۱۳؛ مائده، آیه ۴۸)

که به مقتضیات به نسبت ثابت توجه داشته است. به این معنا که شرایع پنج گانه نوح (ع)،

ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) با توجه به برخی از تغییرات کلان که در طول تاریخ بشریت رخ داده تعریف و تبیین شده است. البته بر اساس آموزه‌های قرآنی، آنچه در نهایت پذیرفته شده از سوی خداوند برای بشر تا قیامت است، تنها همان شریعت محمدی (ص) است که شریعت کامل و نهایی از اسلام است. اگر بخواهیم شریعت را در قالب امروزی و اصطلاحات و ادبیات آن ترجمه کنیم می‌بایست آن را همان شیوه اصلی زندگی دانست که می‌تواند دارای سبک‌های زیادی به عنوان زیرمجموعه‌ها باشد.

۱-۳. حجیت سبک زندگی پیامبر (ص)

از آیات قرآن از جمله آیه ۷ سوره حشر به دست می‌آید که سبک زندگی پیامبر (ص) آن‌چنان کامل و معصومانه است که انسان بدون هیچ اماواگری می‌تواند آن را سرمشق زندگی خود قرار دهد. خداوند می‌فرماید:

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ و آنچه را فرستاده [خدا] برای شما آورده پس آن را بگیرید (و اجرا کنید)، و آنچه شما را از آن منع کرد پس خودداری کنید» (حشر/۷)

بر اساس این آیه و آیات دیگر قرآن، سبک زندگی پیامبر (ص) در قول و فعل و تقریر برای مردمان حجت است، چنانکه حجتی علیه آنان است. به این معنا که هر انسانی می‌تواند بر اساس این سبک زندگی در نزد خداوند استدلال کند و بگوید رفتار و گفتار و افکارم بر اساس آن چیزی است که پیامبر (ص) فرموده است؛ چنانکه خداوند نیز می‌تواند استدلال کند که چرا برخلاف رفتار و افکار و گفتار پیامبر (ص) عمل کرده‌اید؟ پس سبک زندگی آن حضرت (ص) باید آن‌چنان کامل باشد که بتوان آن را حجت قرارداد و بر اساس آن له و علیه کسی حکم کرد. این بدان معناست که پیامبر (ص) در اوج اصول اخلاقی و در مرتبه مکارم اخلاقی رفتار می‌کرد و اگر کسی بتواند آن‌چنان رفتار کند، نه تنها به اوج می‌رسد بلکه در هنگام محاسبه و مواخذه دست‌پر خواهد بود.

۲. ویژگی های اعتقادی و عبادی

۲-۱. توحید باوری

توحید باوری پیامبر اعظم (ص) از مهم ترین مظاهر یقین و باور اوست. در برخی از آیات، پیامبر اعظم (ص) منادی توحید و مظهر یگانه پرستی معرفی شده است. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) راهنمایی می کردند؛ چون که شکیبایی نمودند و همواره به آیات ما یقین داشتند» (سجده/۲۴) پیامبر اعظم (ص) به صراحت، خود را یک موحد تمام عیار معرفی می کند و کسانی را که این گرایش توحیدی را درک نمی کنند، نادان خطاب می کند: «قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» بگو: ای نادانان! پس آیا به من فرمان می دهید که غیر خدا را پرستم؟! (زمر/۶۴) پس از دعوت عمومی، حضرت کفار و مشرکان، قریش تلاش وافری برای فریب دادن پیامبر (ص) و انحراف او از مسیر توحیدی آغاز نمودند و شگردهای متعددی را در راستای سست کردن اراده حضرت در دعوت مردم به دین، جدید به کار گرفتند یکی از شگردهای مشرکان، در این زمینه استراتژی سازش و شیوه مسالمت آمیز برای منحرف کردن پیامبر (ص) در مسیر دعوت توحیدی بود.

ذیل آیه ۶۴ سوره زمر که میفرماید: «ای نادانان! پس آیا به من فرمان می دهید که غیر خدا را پرستم؟!» گزارش تاریخی ذکر شده است که مشرکان به پیامبر (ص) گفتند که اگر دست از ناسزاگویی به بت های ما بر نمی داری طرح دیگری داریم که صلاح تو در آن است و آن پیشنهاد پرستش یک ساله بت های ما و خدای تو، به صورت طرفینی است. در این جا بود که حضرت واکنش شدیدی به این پیشنهاد نشان دادند و این آیات نازل شد. (طبری، ۱۳۷۸هـ ج ۲، ص ۳۳۷) پس پیامبر اعظم (ص) با صراحت اعلام میدارد که مسأله توحید و نفی شرک، مطلبی نیست که بتوان بر سر آن معامله و سازش کرد شرک باید در تمام شکلهایش در هم کوبیده شود و از صفحه جهان محو گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۵۲۴)

۲-۲. ایمان

ویژگی دیگری که در تبیین شخصیت پیامبر اعظم (ص) در قرآن نقش بسزایی دارد، ایمان است. پیامبر اعظم (ص)، به تصریح قرآن کریم مؤمن به تمامی دستورات الهی است؛ ایمان به خداوند، ملائکه الهی، کتب آسمانی و انبیاء الهی متعلقات این ایمان هستند: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لَا تَفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رَسُولِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ پیامبر خود به آنچه از جانب پروردگارش به او نازل شده ایمان دارد و همه مؤمنان به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و پیامبرانش ایمان دارند. میان هیچ یک از پیامبرانش فرقی نمی نهیم. گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، ای پروردگار ما آمرزش تو را خواستاریم که سرانجام همه به سوی توست.» (بقره/۲۸۵) که همه آنها در یک صف واحد، معرف مؤمن به هدف بودن حضرت از یک جهت و مؤمن به غیب بودن ایشان، از سوی دیگر میباشند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ (همان) کسانی که به (آنچه از حس) پوشیده، ایمان می آورند و نماز را به پا می دارند، و از آنچه که روزی آنان کرده ایم (در راه خدا) مصرف می کنند» (بقره/۳)

پیامبر اعظم (ص) نخستین مؤمن به پروردگار است. مؤمن و مسلم بودن پیامبر اعظم (ص) در بالاترین درجه ایمانی قرار دارد؛ لذا خداوند ایمان او را از ایمان مؤمنان جدا می سازد. (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۵۳)

پیامبر به گواه خودش، آفریده ای برتر و بزرگوارتر از او خلق نشده است و بر ملائکه هم برتری دارد؛ چرا که در شناخت نسبت به خداوند و سپاس گزاری و عبادت از ملائکه پیشی گرفته است. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸هـ، ج ۱، ص ۲۶۲) که این معنای مؤمن بودن اوست لذا خداوند، تک تک مردم را دعوت به ایمان به رسول اعظم خود می کند؛ همان رسولی که مؤمن به خداوند و تمامی کلمات و سخنان اوست: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ بگو: ای مردم! در حقیقت من



فرستاده خدا به سوی همه شما هستیم؛ آن (خدایی) که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان آورید به خدا و فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا شاید شما راهنمایی شوید» (اعراف/۱۵۸)

در مورد ایمان پیامبر اعظم (ص) قرآن کریم به نکات دیگری هم اشاره می‌فرماید که بیانگر شخصیت‌برجسته و والای ایشان است، پیامبر اعظم (ص) به تمامی انبیاء و کتب گذشته، ایمان دارد. «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمُ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ و به همین خاطر، پس تو (مردم را به سوی دین) فراخوان، و همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن، و از هوس‌هایشان پیروی مکن، و بگو: به کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم و فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت (پیشه) کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ کردارهای ما تنها برای ماست و کردارهای شما تنها برای شماست. هیچ حجت (و بحثی) بین ما و بین شما نیست؛ خدا بین ما و شما جمع می‌کند و فرجام (همه شما) فقط به سوی اوست» (شوری/۱۵) پیامبر (ص) به عنوان برترین راسخان در علم به کتاب الله و محکم و متشابه، آن ایمان دارد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ او کسی است که بر تو، [این] کتاب را فرو فرستاد؛ که قسمتی از آن آیات «محکم» است، که آنها اساس این کتابند. و قسمتی دیگر متشابهاتند. و اما کسانی که در دل‌هایشان کژی است پس برای فتنه‌جویی و طلب بازگرداندنش (به دلخواه خود) از متشابهات آن پیروی می‌کنند. و حال آنکه بازگشتگاه (مقاصد)ش را جز خدا و استواران در دانش نمی‌دانند. (آنان که) می‌گویند: «به آن [قرآن] ایمان آوردیم، همه (آیات محکم و متشابه) از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان یادآور نمی‌شوند» (آل عمران/۷) رسول اعظم (ص)، مؤمن به همه دستورات الهی

و تمامی آن چه بر انبیاء گذشته نازل شده است میباید چون پیامبر اعظم (ص) مؤمن به تمامی فرامین الهی است، لذا ایمان آوردن به او مورد تأکید خداوند متعال است و ایمان به حضرت، هم طراز با ایمان به خداوند متعال، تلقی شده است. «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نور علم و حکمتی که (بندگان را در آیات قرآن) فرستاده‌ایم بگروید، و (بترسید که) خدا به هر چه کنید آگاه است.» (تغابن/۸)

۲-۳. توکل

توکل، در معنای لغوی، عهده دار شدن و اعتماد کردن می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ ص ۸۸۲) و اعتماد کردن به کسی دیگر، در یک کار است. (ابن فارس، ۱۴۰۴هـ ج ۶، ص ۱۳۶) پیامبر اعظم (ص)، شخصیتی است که از اعتماد به نصرت الهی و توکل وافر، بهره مند است: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ پس اگر [منافقان] از حق روی گردانند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.» (توبه/۱۲۹)

پس توکل به خداوند بدین معناست که انسان اطمینان و اعتماد خود را متوجه خداوندی نماید که همه اسباب عالم بر محور مشیت او دور میزند (طباطبایی، ۱۳۹۰هـ ج ۹، ص ۱۵۵) و او را وکیل خود سازد و به او تکیه کند و از تلاش و کوشش باز نایستد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰، ص ۲۹۵) لذا خداوند متعال است که فرمانروای جهان هستی است و غیر او، همه نیازمند او هستند.

تمامی انبیاء الهی در دعوت مردم به سوی، خداوند بر عنصر توکل الهی تأکید ویژه ای داشتند: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛ گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و از جانب او رزق نیکویی به من داده باشد [آیا رواست که خلاف خواسته او عمل کنم؟] و من نمی خواهم آنچه که شما را از آن باز می دارم خود مرتکب



شوم؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی خواهم؛ و توفیقم فقط به [یاری] خداست؛ بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم» (هود/۸۸)

پیامبر اعظم (ص) نیز پس از گفت و شنودی که با مشرکان و کفار قریش دارد و آنان را به دلیل بت پرستی، شماتت می کنند، می فرمایند که حال، اگر مرام و مسلک شما بر حق است، برای نابودی من هر کاری از دستتان بر می آید، انجام دهید؛ اما این را بدانید که من به خداوندی تکیه دارم که قرآن را به سوی شما فرستاده است و همواره از صالحان حمایت می کند: «إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابُ عَلَيْهِ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ؛ مرا دوست و یاور به حقیقت خدایی است که این کتاب (قرآن) را فرستاده و اوست که نیکوکاران را دوستی و سرپرستی می کند.» (اعراف/۱۹۶) پیامبر (ص) در گفتگویی با مشرکان و معاندان در مقام هشدار دادن به آنان، به صراحت بیان می کند که ما به خداوندی توکل کرده ایم که به او ایمان آورده ایم: «قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ بگو: (آن که من شما را به سوی او می خوانم) او خدای مهربان است که ما به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم و به زودی شما را معلوم شود کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهی است؟» (ملک/۲۹)؛ اما شما مشرکان نیز توکل کردید؛ اما بر اموال و نیروی انسانی خود. (زحیلی، ۱۴۱۸هـ ج ۲۹، ص ۳۹)

همچنین، در آخرین آیاتی که بر پیامبر اعظم (ص) نازل شد، حضرت در واکنش به روی گردانی منافقان از حق و نبوت خود نیز اظهار می دارند که فقط خدا برای من کفایت می کند و من تنها بر او توکل می کنم که تمامی قدرتها در اختیار اوست: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ پس اگر [منافقان] از حق روی گردانند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.» (توبه/۱۲۹)

توکل پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان در جنگ بدر نمونه دیگری از این ویژگی حضرت پیامبر (ص) است. در این جنگ که در واقع غیر منتظره بود و مسلمانان، تصور تدارک چنین لشکر عظیمی را از سوی مشرکان و کفار قریش به رهبری ابوجهل نمی کردند: «يُجَادِلُونَكَ

فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ - وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ؛ با تو درباره حق، پس از آنکه روشن گردید، (باز) جدال می کنند. گویی به سوی مرگ رانده می شوند، و آنان تماشا می کنند - و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می کردید که [گروه] غیر مسلح برای شما باشد؛ و [لی] خدا می خواهد حق را با کلمات (و وعده های) ش تثبیت کند، و دنباله کافران را قطع کند» (انفال/۶-۷) تعداد کم مسلمانان هم مزید بر علت شده که مسلمانان دچار خوف و ترس شوند. عده ای از منافقان لشکر مسلمانان و کسانی که از منافقان هم بدتر بودند؛ با مشاهده انبوه لشکر مشرکان قریش و مقایسه آن با تعداد کم مسلمانان، آنان را تمسخر کردند و این گونه گفتند که دین اینها آنان را فریفته است و به خودشان مغرور شده اند (واقعی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱، ص ۷۱). خداوند در پاسخ به اینها فرمود که توکل پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان عامل پیروزی آنان خواهد بود و همین عامل بود که کامیابی نهایی مسلمانان را رقم زد. (یوسفی غروی، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۲۸۷)

۲-۴. باورمندی به نصرت الهی

در هر یک از سه غزوه مهم پیامبر اعظم (ص) - بدر، احد و خندق - شرایط سختی بر مسلمانان حاکم بود. شاید نمونه سختترین شرایط در یک جنگ در صدر اسلام را بتوان جنگ احزاب در شوال سال پنجم دانست که به دلیل کارشکنی یهودیان بنی قریظه در داخل مدینه و نقض عهد با پیامبر (ص) و همدستی با مشرکان و کفار قریش و برخی از قبایل دشمن حضرت مانند غطفان مسلمانان در یک حالت اضطراری قرار گرفتند (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۲؛ ص ۵۰) که با تدبیر سلمان فارسی مبنی بر حفر خندق تا حد بسیار زیادی دشمنان را از هجوم به مدینه بازداشتند (طبری، ۱۳۷۸ هـ، ج ۲، ص ۵۶۶) و نهایتاً آنان مجبور به بازگشت به مکه شدند. (ذهبی، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۲۹۶) اما آن چه که مؤید یقین و باورمندی پیامبر اعظم (ص) است، گزارش تاریخی است که ذیل آیه مبارکه در سوره بقره ذکر



شده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبُاسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَرُزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می شوید؟! به آنان سختی ها و آسیب هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم:] آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است.» (بقره/۲۱۴)

در جنگ احزاب که مسلمانان مدینه در حالت رعب و ترس، به سر میبردند، این آیه نازل شد و به مسلمانان وعده نصرت داد که پیامبر (ص)، نیز بر آن تأکید نمود. (بیهقی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۴۳۴) این امر منافاتی با یقین و باور حضرت به نصرت و وعده الهی ندارد؛ چرا که خداوند متعال قبلاً به رسول اکرم (ص) و مؤمنین، وعده نصرت داده بود. پس اظهار این که «یاری خدا کی میرسد؟» به معنای شک و تردید در این موضوع یا اعتراض و ایراد نیست؛ بلکه به عنوان تقاضا و انتظار مطرح شده است و لذا به دنبال آن، بشارت خداوند مبنی بر نصرت الهی به آنان داده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۰۱) لذا پیامبر (ص) و یارانش فقط دعا کردند که یاری و نصرت الهی برسد؛ نه این که به خاطر دیر شدن امداد الهی چنین سخنی را بگویند. (طبرسی، ۱۳۷۹هـ، ج ۲، ص ۲۸۵)

لذا یقین و باورمندی انسان است که مسیر صحیح زندگی او را تعیین می کند و فرد را در موقعیت های بحرانی و شرایط حاد حیات دنیوی به سمت بهترین راهکاری که توأم با معصیت الهی نیست، رهنمون می سازد. در واقع محاسبه نفس و تلاش برای افزایش و پرورش دادن فضائل اخلاقی، یکی از اثرات مهم باورمندی انسان است. با چنین نگرشی زندگی فرد باورمند نیز لذت بخش و همراه با آسایش و آرامش خواهد بود. چنین شخصیتی، هم خود یک وجود هدایت یافته است و هم می تواند که هدایتگر دیگران نیز باشد.

۲-۵. معاد باوری

از دیگر ویژگی های پیامبر اعظم (ص) به شمار می آید در گزارش تاریخی ذیل آیات ۷۸ و ۷۹ سوره یس که می فرماید:

«وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ - قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ؛ و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرده و گفت: «چه کسی این استخوان را در حالی که آن پوسیده است زنده می سازد؟! بگو: کسی آن را زنده می کند، که نخستین بار وی را پدید آورد؛ و او به هر آفرینشی داناست.» آمده است که ابی بن خلف یا عاص بن وائل با استخوان پوسیده پودر شده ای به نزد پیامبر اعظم (ص) آمد و گفت که ای محمد [ص]! آیا تو خیال میکنی که خداوند این را دوباره زنده میکند؟ حضرت در پاسخ او فرمود: آری (طبرسی، ۱۳۷۹ هـ ج ۲۰، ص ۴۴۱)

و در گزارش دیگری است که ابی، قسمت نرمة استخوانها را به سوی پیامبر (ص) پاشید و حضرت نیز در پاسخ به او فرمود که خداوند این استخوانها و تو را زمانی که این گونه شدی مبعوث می کند و سپس تو را وارد آتش جهنم می کند. (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۹۰) لذا این گزارش بر معاد باوری حضرت صحه می گذارد.

۲-۶. پیامد ویژگی ها اعتقادی پیامبر (ص) بر سبک زندگی مسلمانان معاصر

این ویژگی ها به عنوان الگوی قرآنی، بر جنبه های مختلف زندگی مسلمانان معاصر تأثیر می گذارند و می توانند به عنوان ابزارهایی برای مقابله با چالش های مدرن (مانند فشارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) عمل کنند. از جمله اثرات آن عبارتند از:

۱. تقویت هویت دینی و اخلاقی:

توحید باوری و ایمان، مسلمانان معاصر را تشویق می کند تا زندگی شان را بر پایه یگانه پرستی بنا کنند. برای مثال، در جوامع سکولار یا چندفرهنگی، این باورها به حفظ هویت اسلامی کمک می کند و از انحرافات مانند مصرف گرایی مادی گرا یا تأثیرات فرهنگی غربی جلوگیری می نماید. در نتیجه سبک زندگی ای که بر نماز، روزه و اعمال عبادی تمرکز دارد، منجر به آرامش درونی و پرورش فضائل مانند صداقت و عدالت می شود

۲. مدیریت بحران‌ها و تصمیم‌گیری:

توکل و باور به نصرت الهی، در شرایط بحرانی معاصر مانند بحران‌های اقتصادی، سیاسی و...؛ نقش کلیدی دارند. مسلمانان می‌توانند با تکیه بر خداوند همراه با تلاش، استرس را کاهش دهند و به راهکارهای اخلاقی روی آورند. امروز، این می‌تواند به معنای اعتماد به خداوند در برابر چالش‌هایی مانند بیکاری یا مهاجرت باشد، که منجر به زندگی پایدارتر و کمتر مادی‌گرا می‌شود.

۳. پرورش آرامش و هدایت اجتماعی:

معاذباوری مسلمانان را به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر سوق می‌دهد، مانند اجتناب از فساد یا کمک به نیازمندان، که در جوامع مسلمان‌نشین به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش افسردگی کمک می‌کند.

۴. تأثیر بر جنبه‌های عملی زندگی:

این ویژگی‌ها سبک زندگی را از مادی‌گرایی به سمت معنویت سوق می‌دهند. اقتصادی: توکل، تشویق به کار حلال و رضایت از رزق الهی می‌کند، که در برابر طمع و مادیگرایی مدرن مقاومت ایجاد می‌نماید. اجتماعی: ایمان به انبیاء و کتب آسمانی، وحدت میان مسلمانان را تقویت می‌کند و از تفرقه جلوگیری می‌نماید.

روانی: باور به معاد و نصرت الهی، امیدواری را افزایش می‌دهد و در برابر چالش‌های روانی مانند اضطراب ناشی از رسانه‌های اجتماعی، سپری است.

در نهایت، این ویژگی‌ها نه تنها شخصیت پیامبر (ص) را والا می‌سازند، بلکه الگویی ابدی برای مسلمانان است تا سبک زندگی‌شان را بر پایه هدایت الهی شکل دهند. این امر در دوران معاصر، به ویژه با چالش‌های جهانی‌سازی، می‌تواند به حفظ تعادل بین دنیا و آخرت کمک کند و زندگی‌ای معنادارتر بسازد.

۳. ویژگی های فردی

۳-۱. خُلق عظیم

از ویژگی های مهم پیامبر اعظم (ص) در قرآن، خُلق عظیم داشتن است. با توجه به روایت منقول از پیامبر (ص) که حضرت تنها هدف از بعثت و رسالت خود را تکمیل مکارم و سجایای اخلاقی معرفی نمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (حلبی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۳، ص ۴۷۵)، این ویژگی پیامبر (ص) از اهمیت مضاعفی برخوردار است. خداوند، حضرت را به داشتن خلق عظیم در قرآن ستوده است. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری. (قلم/۴) خلق پیامبر (ص) چنان بود که خُلق حضرت را قرآن دانسته اند: «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ». (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۷۰) لذا اهمیت این تعبیر برای پیامبر اعظم (ص) از این جهت دو چندان می گردد که خداوند هیچ یک از انبیاء گذشته را با این وصف مورد تکریم و تمجید قرار نداده است. (طبرسی، ۱۳۷۹ هـ، ج ۵، ص ۲۱۳)

۱. «خُلق» به صفاتی اطلاق می شود که اولاً: سجایا و ویژگیهای باطنی باشند که با فطرت، قوای درونی و دید دل، درک می شوند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۴۸۹) ثانیاً ویژگی هایی باشند که بی اختیار از انسان سر بزنند؛ چون اینها تبدیل به عادت شده اند و از انسان جدا نمی شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۷۲)

۲. با مراجعه به تفاسیر متعدد، ذیل بیان مصادیق خلق عظیم، عمده این تفاسیر، به مفهوم اجتماعی آن نظر داشته اند و مفاهیمی نظیر حسن خلق، ادب، حیاء، صبر، عفو و گذشت، رفق و مدارا، تواضع و فروتنی، انفاق و احسان، عفت و پاک دامن، عفت کلام و خوش گفتاری را از جمله مصادیق آن بر شمرده اند. (زمخشری، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۵۸۵، زحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۹، ص ۴۹)



۳-۲. تواضع

از ویژگی های بارز اخلاقی پیامبر اعظم (ص) تواضع می باشد، پیامبر اعظم (ص) از جمله کسانی است که مفتخر به لقب عباد الرحمان است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت آمیز می گویند» (فرقان/۶۳) و راه رفتن او در زمین همراه با تواضع و فروتنانه است. لذا او در برابر خاص مؤمنان متواضع است و خود را برتر از آنان، فرض نمی کند: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر» (شعراء/۲۱۵)

یکی از ویژگیهای برتر بندگان حقیقی، خداوند راه رفتن راحت و با آرامش است؛ راه رفتنی که نه با تکلف همراه است و نه با تظاهر و خود نمایی؛ راه رفتن در کلیت خود، مبین شخصیت فرد و گاه، از احساسات و ذهنیت های مخفی او حکایت می کند. (سید قطب، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۲۵۷۸)

هم چنین حضرت همیشه در اواخر صفوف مردم راه میرفت و مشیی متواضعانه داشت. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۰) طریقه نشستن پیامبر اعظم (ص) در مجالس نیز چنان بود که اگر فرد غریبه ای به مجلس وارد می شد، حضرت را نمی شناخت و باید پرس و جو میکرد که محمد (ص) کدام یک از شماست؟ ضمن این که نشستن او نیز همراه با تواضع و وقار بود. (بیهقی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۱۳۴) از ابن عباس نیز چنین نقل شده است که پیامبر (ص) روی زمین می نشست و با فقراء هم سفره میشد و گوسفندان را میدوشید و دعوت بردگان را حتی به تکه نانی از جو، اجابت می نمود. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶۴) و بر روی الاغ سوار میشد و لباسی پشمین، بر تن می کرد. (ابن کثیر، ۱۹۸۶، ج ۶، ص ۴۵)

۳-۳. صبر

صبر، به پایداری در برابر ناملایمات، اطلاق می شود (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ، ج ۷، ص ۱۱۵). عمده آیاتی که از سعه صدر و صبر پیامبر اعظم (ص) سخن به میان می آورد، مربوط به

تحمل حضرت در برابر اقدامات آزار گونه مشرکان قریش و یا سخنان ناروای آنان و القاب تمسخر آمیزی بود که به ایشان نسبت میدادند سعه صدر و صبر پیامبر (ص) آن اندازه است که او را مفتخر به لقب «اولوا العزم» (بحرانی، ۱۴۱۳ هـ ج ۴، ص ۲۱۰) می نماید که بیانگر اراده پولادین حضرت و عزم جزم وی در راستای تبلیغ آیین جدید می باشد. در مقاطع مختلف دعوت سعه صدر و صبر پیامبر اعظم (ص) چنان تأثیری بر مخالفان دعوت گذاشت که حضرت را مصداق بارز «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالْسِنَتِكُمْ» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ، ص ۷۷) قرار داد.

فتح مکه یکی از نقاط عطف حیات سیاسی - دینی پیامبر اعظم (ص) به شمار می آید. طبیعتاً قریش این گونه می پنداشتند که پیامبر (ص) پس از فتح مکه و تحمل یک دوره طولانی از آزار و اذیتهای آنان به شدیدترین وجه با آنان برخورد نماید گزارشهای تاریخی حاکی از این است که پیامبر اعظم (ص) پس از ایراد خطبه ای کوتاه پس از فتح مکه قریش را مورد خطاب قرار داد و از آنان پرسید که فکر میکنید که با شما چگونه برخورد خواهیم نمود آنان در جواب حضرت گفتند که جز خوبی با ما برخورد نخواهی کرد؛ چرا که شما برادری کریم و فرزند برادری کریم هستید پیامبر (ص) با بزرگواری تمام فرمودند: بروید که شما آزاد شدگان (طلاق) هستید. (یعقوبی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲، ص ۶۰)

لذا پیامبر اعظم (ص) در جایی که افرادی مانند سعد بن عباد، انصاری شعار «الیوم یوم الملحمة» سر می دادند، با سر لوحه قرار دادن شعار «الیوم یوم المرحمة» برخورد کریمانه ای داشتند که مبین اوج سعه صدر و صبر حضرت در این قضیه است (واقدی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۸۲۱)؛ چرا که با آن همه خیانتها و جنایتهای قریش، تصویری جز قتل آنان نمیرفت با این، همه حضرت از انتقام گیری دست شستند و صبر پیشه نمودند.

۳-۴. امانت داری

امانت داری پیامبر اکرم (ص) زبان زد عام و خاص بوده و هست؛ حتی پیش از بعثت نیز آن حضرت در میان مردم مکه، با لقب «امین» مشهور بود؛ بدترین دشمنان ایشان نیز وی را فردی امین می شمردند و در امانت داری او تردیدی نداشتند. هر کس حتی اگر نخ و سوزنی



نزد آن حضرت به امانت می گذاشت، ایشان آن را به وی باز می گردانند. (کلینی، ۱۴۲۹هـ ج ۲، ص ۶۳۶) ایشان بر امانت داری تاکید می کرد و کسانی را که از این ویژگی بی بهره بودند، اساساً بی ایمان می دانستند. (لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ) (مجلسی، ۱۳۶۳ش، ج ۷۵، ص ۱۱۶) از نظر ایشان یکی از مهم ترین ملاک های سنجش و ارزیابی انسان ها امانت داری آنهاست؛ «لا تنظروا الى كثرة صلاتهم وصومهم، وكثرة الحج والمعروف،...، ولكن انظروا الى صدق الحديث واداء الامانة» (مجلسی، ۱۳۶۳ش، ج ۷۵، ص ۱۱۵) به کثرت نماز، روزه، حج و... آنها منگرید، بلکه به راست گویی و امانت داری آنها بنگرید. همچنین می فرمودند: امانت داری موجب غنی و خیانت موجب فقر است. (مجلسی، ۱۳۶۳ش، ج ۷۷، ص ۱۲۱)

امانت داری پیامبر (ص)، در جمع آوری و تقسیم غنائم: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...؛ و هیچ پیغمبری خیانت نخواهد کرد، و هر کس خیانت کند روز قیامت با همان خیانت بیاید (و به کیفر آن برسد)» (آل عمران/۱۶۱) در شان نزول آیه آورده اند: در غزوه بدر، قطیفه سرخی از غنائم گم شد. برخی گفتند: پیامبر (ص) برداشته است، آیه مزبور نازل شد. (طبرسی، ۱۳۷۹هـ، ج ۲، ص ۴۳۲)

امانت داری پیامبر (ص) در تبیین و ابلاغ وحی به مردم: «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ... وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ؛ و رسول عصر شما هرگز دیوانه نیست - و او نسبت به [ابلاغ و تعلیم] آنچه به او وحی می شود، بخیل نیست» (تکویر/۲۲ اور ۲۴) مقصود از «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» نفی اتهام از پیامبر (ص) نسبت به هرگونه خیانتی است. (طبرسی، ۱۳۷۹هـ، ج ۱۰، ص ۲۸۱)

۳-۵. استقامت

استقامت در سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در عرصه ها و حوزه های مختلف، ظهور و بروز و نمود می یابد. از یک سو در تبلیغ دین اسلام به قدری نمود دارد که خداوند در آیات شریفه قرآن کریم آن حضرت را مورد خطاب قرار داده است: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ شاید تو می خواهی اگر [این معاندان لجوج]

به این سخن [که قرآن کریم است] ایمان نیاورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی!» (کهف/۶) از سوی دیگر، آن حضرت در مقابل فشارهای شدید اقتصادی در شعب ابی طالب، دشمنان را وادار به عقب‌نشینی کرده و صفحات زیبایی را در تاریخ استقامت رقم زده است. در حوزه نظامی علی رغم تمام کمبود امکانات، تاریخ شاهد غزوات بسیاری از پیامبر اعظم (ص) بوده که در سایه صبر و استقامت و توکل به خداوند انجام شده است و در حوزه سیاسی، استقامت آن حضرت (ص) در قبال تهدیدهای منافقان و مخالفان، بسیار درخور توجه است.

پیامبر (ص)، مأمور استقامت در ابلاغ دین و گسترش توحید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» پس همان گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده اند [ایستادگی کنند] و سرکشی نکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست.» (هود/۱۱۲)

پیامبر (ص)، موظف به ثبات قدم و استقامت در برابر دشمنان: «قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» - بگو: ای قوم [من]! هرچه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم. و در آینده خواهید دانست چه کسی فرجام (نیک) سرای (آخرت) برایش خواهد بود؛ براستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند» (انعام/۱۳۵)

۳-۶. راستگویی و صداقت

راست‌گویی از فضایل بسیار مهم اخلاقی است که در صورت همگانی شدن، اعتماد افراد به یکدیگر مستحکم شده، جامعه انسانی به امنیت خواهد رسید. خدای سبحان در قرآن کریم، مؤمنان را پس از سفارش به تقوای الهی، به وارد شدن در زمره راست‌گویان فرا می‌خواند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و با راست‌گویان باشید» (توبه/۱۱۹) رسول خدا (ص) راست‌گویی را زینت گفتار می‌داند: (زينة الحديث الصدق) (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ج ۷، ص ۱۷) و نزدیک‌ترین افراد را به خود در روز قیامت، راست‌گوترین آنها معرفی

می‌کند. چنان‌که گذشت، راست‌گویی را از مهم‌ترین معیارهای سنجش و ارزیابی انسان‌ها برمی‌شمرد.

سوگند خداوند بر صداقت و درست‌گویی پیامبر اسلام (ص): «فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ - وَمَا لَا تُبْصِرُونَ - إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ و قسم یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید - و آنچه نمی‌بینید - که قطعاً آن (قرآن) گفتار فرستاده ارجمندی است» (حاقه/۳۸-۴۰) مقصود از «رسول کریم»، پیامبر (ص) است. (ابن عاشور، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۰، ص ۱۵۷)

تایید و تاکید خداوند بر صداقت پیامبر اکرم (ص)، در نزول وحی بر او: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ - مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ - وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ - إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ سوگند به ستاره، هنگامی که فرود آید! - که همنشین شما (پیامبر) گمراه نشده و بیراهه نرفته (و زیانکار و محروم نگشته) است - و از روی هوی و [هوس] سخن نمی‌گوید - آن (سخن) نیست جز وحی‌ای که (به او) وحی می‌شود» (نجم/۱-۵)

۳-۷. پیامدهای ویژگی‌های فردی پیامبر (ص) بر سبک زندگی مسلمانان معاصر
ویژگی‌ها فردی پیامبر (ص) نه تنها به عنوان ستایش از شخصیت پیامبر (ص) در قرآن بیان شده‌اند، بلکه نقش الگوبرداری و هدایتی برای مسلمانان را ایفا می‌کنند. این ویژگی‌ها به مسلمانان معاصر کمک می‌کنند تا در دنیای پرتلاطم امروز، با الگوبرداری از پیامبر (ص)، زندگی اخلاق‌محور، پایدار و اجتماعی‌ساز داشته باشند.

۱. خُلق عظیم:

در جامعه معاصر که چالش‌هایی مانند استرس، رقابت‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی وجود دارد، این ویژگی مسلمانان را به پرورش فضایل اخلاقی سوق می‌دهد. مثلاً، حسن خلق و عفو می‌تواند در روابط خانوادگی و کاری، تعارضات را کاهش دهد و جوامع را به سمت همدلی و مدارا ببرد. مسلمانان معاصر با الگوبرداری از این خلق، می‌توانند در محیط‌های کاری یا شبکه‌های اجتماعی، الگویی از ادب و تواضع باشند، که منجر به تقویت اعتماد اجتماعی و کاهش خشونت‌های کلامی می‌شود. تحقیق نشان می‌دهد که

خلق پیامبر (ص) "قرآن" بود («كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»)، پس مسلمانان باید قرآن را در رفتار روزانه‌شان جاری کنند تا سبک زندگی‌شان اخلاق محور شود.

۲. تواضع:

در عصر فردگرایی و نمایش‌های اجتماعی (مانند فیسبوک، اینستاگرام و...)، تواضع به مسلمانان کمک می‌کند تا از غرور و خودنمایی دوری کنند. مثلاً، در محیط‌های کاری یا تحصیلی، فروتنی می‌تواند همکاری را افزایش دهد.

۳. صبر:

در دنیای پر از بحران‌های اقتصادی، سیاسی و روانی (مانند همه‌گیری‌ها یا بیکاری)، صبر پیامبر (ص) به مسلمانان انگیزه می‌دهد تا در برابر فشارها پایدار بمانند. مثلاً، در اعتراضات اجتماعی یا چالش‌های شخصی، عفو و مدارا می‌تواند چرخه خشونت را بشکند. مسلمانان معاصر می‌توانند با صبر، در سیاست یا روابط بین‌فرهنگی، الگویی از بخشش باشند و سبک زندگی‌شان را به سمت آرامش و پیشرفت پایدار هدایت کنند.

۴. امانت داری:

در جوامع معاصر با فساد مالی و عدم اعتماد (مانند مسائل بانکی یا قراردادی)، امانت‌داری به مسلمانان کمک می‌کند تا در کار، تجارت و روابط، اعتماد بسازند. مثلاً، در محیط‌های حرفه‌ای، بازگرداندن امانت‌ها می‌تواند به موفقیت اخلاقی منجر شود. مسلمانان با الگوبرداری، سبک زندگی‌شان را بر پایه صداقت اقتصادی بنا می‌کنند، که به کاهش فساد و تقویت اقتصاد اسلامی کمک می‌کند.

۵. استقامت:

در عصر چالش‌های جهانی مانند مهاجرت، فشارهای فرهنگی و تهدیدهای ایدئولوژیک، استقامت به مسلمانان انگیزه می‌دهد تا ایمان‌شان را حفظ کنند. مثلاً، در تحصیل یا کار، توکل و پایداری می‌تواند موفقیت بیاورد. مسلمانان معاصر می‌توانند با آن، در سیاست یا آموزش و در مقابل نظام‌های استکباری، مقاوم باشند و سبک زندگی‌شان را بر پایه توحید و پیشرفت بنا کنند.



۶. راستگویی و صداقت:

در دوران اطلاعات غلط و رسانه‌های جعلی، صداقت به مسلمانان کمک می‌کند تا اعتماد عمومی بسازند. مثلاً، در ارتباطات دیجیتال یا سیاست، راستگویی می‌تواند جامعه را به امنیت برساند. مسلمانان معاصر با آن، سبک زندگی‌شان را بر پایه اعتماد و اخلاق رسانه‌ای بنا می‌کنند، که به کاهش دروغ، شایعه و تقویت جامعه مدنی منجر می‌شود. پیامد و تاثیر این ویژگی‌ها بر سبک زندگی مسلمانان معاصر، موجب تحول اخلاقی جامعه است: از کاهش تعارضات اجتماعی تا تقویت ایمان فردی، و ایجاد جوامعی پایدار و اخلاق‌محور.

مسلمانان معاصر با پیاده‌سازی این ویژگی‌ها (مانند صبر در بحران‌ها یا تواضع در روابط)، می‌توانند قرآن را در زندگی روزمره‌شان زنده کنند و الگویی برای نسل‌های آینده باشند. این الگوپردازی نه تنها فردی، بلکه اجتماعی است و به حل مسائل معاصر مانند نابرابری و عدم اعتماد کمک می‌کند.

۴. ویژگی‌های اجتماعی

۴-۱. نرم‌خویی

از دیگر ویژگی‌های پیامبر اعظم (ص) در قرآن نرم‌خویی است، خداوند به صراحت بر رحمت بودن پیامبر اعظم (ص) برای تمام جهانیان «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تورا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.» (انبیاء/۱۰۷) و مهربان و رحیم بودن ایشان «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ؛ همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است.» (توبه/۱۲۸) تأکید کرده است لذا در بیان، قرآن، حضرت مظهر نرم‌خویی می‌باشد: «وَإِنَّمَا تُعْرِضْنَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا؛ و اگر، بخاطر

بدست آوردن رحمتی از جانب پروردگارت که بدان امید داری، از آن (نیازمند)ان روی گردانی، پس به آنان سخنی ملاطفت آمیز گوی» (اسراء/۲۸)

پیامبر اعظم (ص) حتی برای سخنان محرمانه تمام طبقات افراد جامعه نیز در دسترس است که آیه نجوی مؤید آن می باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با فرستاده (خدا) رازگویی می کنید پس پیش (از آن) بخشش صادقانه ای تقدیم دارید؛ این برای شما بهتر و پاک کننده تر است؛ و اگر نیافتید پس مسلماً خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است» (مجادله/۱۲)

گزارش تاریخی ذیل آیه نجوی بیان میدارد که جمعی از ثروتمندان و مرفهین بی درد جامعه، برای نجوی کردن با پیامبر اعظم (ص) نزد ایشان می آمدند و با سخنان محرمانه بیهوده خود، وقت ارزشمند حضرت را تلف میکردند؛ بنابر این بر طبق این آیه، آن قدر پیامبر اعظم (ص)، مهربان و نرم خو و در دسترس همگان بود که تا مدتی با نزول آیه نجوی، کسانی که با سخنان محرمانه خود برای حضرت مزاحمت ایجاد میکردند و البته درصدد فخر فروشی به طبقات ضعیف جامعه، بودند از نجوی با حضرت منع شدند.

دیگر جلوه مهربانی و نرم خویی پیامبر اعظم (ص) در نحوه صدا زدن، حضرت توسط برخی از انسانهای بی ادب و بی توجه به حرمت عظیم شخصیتی همانند پیامبر (ص) است که قرآن می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ- وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ در واقع کسانی که تو را از پشت اتاقها فرامی خوانند، اکثر آنان خردورزی نمی کنند- و اگر (برفرض) آنان شکیبایی می کردند تا به سوی آنان در آیی، حتماً برای آنان بهتر بود؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است» (حجرات/۴-۵)

در این آیات، خداوند به شدت آنان را مورد توبیخ قرار می دهد و از این که عده ای جاهل از مهربانی و مردمی بودن پیامبر اعظم (ص)، سوء استفاده می کنند و حضرت را مانند رسم خود در مورد دیگر افراد عادی جامعه خطاب قرار می دهند، اظهار تأسف می کند و اکثریت آنان را افرادی بیشعور می نامد.

گزارش تاریخی ذیل آیه حاکی از این مطلب است که عصر هنگامی که پیامبر (ص) در حال استراحت در منزل خود بودند وفد بنی تمیم وارد مدینه و مسجد النبی (ص) شدند و از پشت حجره های حضرت ایشان را با ندای یا محمد [ص] صدا میزدند که بیرون بیا که می خواهیم با تو مفاخره کنیم این عمل آنها باعث ناراحتی پیامبر (ص) گردید و حضرت به سوی آنان بیرون آمدند و با نرم خویی و مهربانی هر چه تمامتر به سخنان آنان گوش فرا دادند و هدایایی هم در پایان به آنها دادند که منجر به اسلام آوردن برخی از آنان شد این آیات در مورد تقبیح عمل زشت آنان نازل شد. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۱۰۳)

۴-۲. مدارا

مهم ترین بخش از مدارای پیامبر اعظم (ص) همزیستی مسالمت آمیز با منافقان مدینه بوده است، مدارا با عبدالله بن ابی بن سلول، همزمان با سخنان نفاق آلود وی در جنگ بنی المصطلق و نزول سوره منافقون در مورد او (واقعی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۴۱۶) و درخواست پسر عبدالله، مبنی بر کشتن پدر خود و صرف نظر کردن حضرت پیامبر از گناه وی (ابن اثیر، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۹۴)، مصداق مدارا و روحیه مسالمت جویانه پیامبر اعظم (ص) است.

مدارای پیامبر اعظم (ص) با سران مشرکان و کفار قریش در فتح مکه و گذشت از آنان با جمله «اذهبوا فأنتم الطلقاء» و منت گذاردن بر آنان (مسعودی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۲۹۱)، نمونه دیگری از مدارای، حضرت در مسیر دعوت توحیدی او به شمار می آید.

پیامبر اعظم (ص) مأموریت داشت که حتی با اهل کتاب با مدارا برخورد کند و با آنان مجادله احسن نماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ^ص وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» و با اهل

کتاب جز به آن (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است مناظره نکنید؛ مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند؛ و بگویید: به آنچه به‌سوی ما فروفرستاده شده و به‌سوی شما فرود آمده، ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و معبود شما یگانه است، و ما تنها فرمانبردار او هستیم» (عنکبوت/۴۶) مجادله احسن به معنای سخنان مدارا جویانه و مسالمت آمیز به آنان گفتن از یک سو و به کارگیری تمام روشهای صحیح و مناسب مباحثه از سوی دیگر می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۲۹۹)

بنابر این، مجادله ای نیکو تلقی می شود که با درشت، خوئی طعنه و اهانت همراه نباشد پس یکی از خوبیهای مجادله این است که با نرمی و سازش همراه باشد و طرف مقابل را مورد آزار و اذیت قرار ندهد. (طباطبایی، ۱۹۹۰ هـ، ج ۱۶، ص ۲۰۵)

از این رو، تکلیف پیامبر (ص) این بود که با هر دو گروه عمده اهل کتاب جزیره العرب یعنی یهود و نصاری - و بر طبق برخی دیدگاهها مسیحیان بنی نجران (ابن عاشور، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۰، ص ۱۸۱) - با ملایمت و مدارای بیشتری برخورد کند که شاید به این دلیل است که این دو گروه، حداقل بخشی از دستورهای انبیاء و کتب آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیشتری برای برخورد منطقی داشتند که با هر کس باید به میزان عقل، دانش و اخلاقش سخن گفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۲۹۸)

۴-۳. وفای به عهد

خداوند بزرگ در قرآن کریم، خود را با وفاترین می‌شمارد و می‌فرماید: «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؟ و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟!» (توبه/۱۱۱) خداوند منان، کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می‌شمارد؛ «فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ؛ و خدا از پیمانش تخلف نمی‌ورزد» (بقره/۸۰) آن گاه بندگان مؤمن خود را نیز به وفاداری و پای بندی به تعهداتشان فرا می‌خواند و از نقض عهد و بی‌وفایی باز می‌دارد.

وفای به عهد یکی دیگر از ویژگی های پیامبر اعظم (ص) در قرآن می باشد. «وفی» دال بر اتمام و اكمال است و لذا وفای به عهد به معنای تمام کردن عهد و در واقع پای بندی به آن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۳، ص ۱۶۱)



پیامبر (ص)، مصداق کامل کسانی است که به عهد و پیمان خود تقید کامل دارند و مظهر خوش قولی هستند. و هم چنین عهد الهی را بزرگ می‌شمرند و در زمره کسانی قرار میگیرند که صالح هستند و عمل صالحی دارند که به واسطه آن به حیات طیبه دست می‌یابند. پایبندی به عهد و سوگند باعث ایجاد اطمینان و آرامش در جامعه میشود و نقض آنها باعث سلب اعتماد می‌گردد. وقتی انسان عهدی میبندد و یا برای چیزی به خدا سوگند میخورد، طرف مقابل به انسان اعتماد می‌کند حال اگر پیمان شکن، شود دیگر اعتماد و تفاهم متقابل از میان می‌رود و ارکان جامعه سست می‌شود. (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۶، ص ۲۰۴) وفای به عهد پیامبر (ص) در صلح حدیبیه و عدم پذیرش مکیان مسلمان شده و جلوگیری از عدم ورود آنان به مدینه و یا بازگرداندن آنان به مکه، در صورت ورود مخفیانه به مدینه، بر طبق یکی از مفاد صلح، نمونه بارزی از وفای حضرت به عهد و پیمان حتی در برابر مشرکان است. بازگرداندن ابا جندل فرزند سهیل بن عمرو، نماینده، مشرکان به مکه و تحویل دادن وی به سفرای اعزامی، قریش، علیرغم میل باطنی وی مؤید این صفت شخصیتی پیامبر اعظم (ص) است. (واقدی، ۱۴۰۹هـ، ج ۲، ص ۶۰۸)

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیمان‌های زیادی با افراد و قبایل و طوایف گوناگون می‌بست که بعضی از آنها بسیار مهم و دارای تاثیرات بزرگی بودند؛ از جمله دو پیمان «عقبه» که شالوده حکومت اسلامی را تشکیل دادند و بعدها تاثیری بزرگ بر جای نهادند. مورخان و مفسران می‌گویند: از جمله اموری که در صدر اسلام سبب شد، گروه‌های زیادی، اسلام را پذیرا گردند، پای‌بند بودن مسلمین و خصوصاً پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عهد و پیمان‌شان و مراعات سوگندهای‌شان بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱، ص ۳۸۲)

۴-۴. الگوی شایسته بودن

پنجمین و آخرین ویژگی رفتاری مبین شخصیت پیامبر اعظم (ص) در قرآن، الگوی شایسته بودن آن حضرت است. الگوی، شایسته انسانی کامل است که در تمامی وجوه قابل پیروی است که پیمودن راه کمال و کمال طلبی بدون وجود او میسر نیست. (دلشاد تهرانی،

۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۸) لذا هر فردی در تمام مراحل زندگی، نیاز به نمونه و الگو دارد؛ چرا که نمونه طلبی و نمونه پذیری امری فطری است. است.

پیامبر (ص)، الگوی شایسته ای برای تمامی اعضاء امت اسلامی هستند و رسالت حضرت، الگو دهی عملی به پیروان خود است: « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مَسْلَمًا لِلَّهِ رَسُولًا » (احزاب/۲۱) کنند. «

که معیار و ملاک در جامعه اسلامی را فراموش نکنند الگوی شایسته بودن، یک ویژگی رفتاری عام برای سنجش شخصیت پیامبر اعظم (ص) است. به بیان دیگر، الگوی شایسته بودن حضرت هم مشتمل بر خلق عظیم اوست و هم صالح بودن او را در بر میگیرد؛ چرا که انسان میتواند در خلق، خود الگوی دیگران قرار گیرد و یا صالح بودن او مستمسک عمل دیگران قرار گیرد. لذا حضرت، برای خاص مؤمنان الگوی شایسته ای است که در تمامی شؤون حیات فردی و اجتماعی خود بایستی سیره و رفتار او را ملاک عمل خود قرار دهند و هرگز از این رکن وثیق، جدا نشوند.

۴-۵. مشاوره و مشارکت بخشی در امور اجتماعی

پیامبر (ص) با آنکه با اتصال به منبع و خاستگاه علم و دانش از همه چیز آگاه بود؛ ولی برای تربیت مردم و جامعه به اصل مشاوره می پرداخت و با مشارکت بخشی در امور اجتماعی تلاش می کرد تا عقول مردم را رشد دهد. این گونه است که در امور اجتماعی با مشارکت بخشی به مردم آنان را تشویق به فعالیت های اجتماعی و حضور فعال در جامعه می کرد. این صفت و اخلاق پیامبری موجب شد تا مردمانی در جامعه رشد کنند که جهان اسلام را در منطقه غرب آسیا مدیریت کنند و تمدن اسلامی را بسازند. پیامبر (ص) به حکم الهی در امور اجتماعی اهل مشورت بود و مردم را به مشارکت فعال در عرصه های اجتماعی و سیاسی دعوت می کرد و این گونه نبود که از انتقاد بترسد و دیگران را به بی سوادی متهم کند؛ درحالی که خود اهل علم غیب بود. خداوند به پیامبرش می فرماید: «شاورهم فی الامر»



(آل عمران/ ۱۵۹). آن حضرت (ص) نیز در امور جنگی و غیرجنگی از مردمان مشورت می‌گرفت که ازجمله معروف‌ترین آن‌ها مشورت در جنگ احزاب و یا همان جنگ خندق است.

۴-۶. پیامدهای ویژگی‌های اجتماعی پیامبر (ص) بر سبک زندگی مسلمانان معاصر
ویژگی‌های اجتماعی پیامبر اعظم (ص) در قرآن به عنوان الگوهایی عملی و اخلاقی توصیف شده‌اند که نه تنها شخصیت حضرت را برجسته می‌کنند، بلکه نقش اساسی در شکل‌دهی به رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان دارند. این ویژگی‌ها می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای ساخت جامعه‌ای مبتنی بر رحمت، اعتماد، مشارکت و مدارا عمل کنند، که در دنیای امروز با چالش‌هایی مانند تنوع فرهنگی، درگیری‌های اجتماعی و نیاز به گفتگوی سازنده روبرو است.

۱. نرم‌خویی

در دنیای امروز، این ویژگی مسلمانان را به سمت روابط انسانی مبتنی بر همدلی و مهربانی سوق می‌دهد. برای مثال، در محیط‌های کاری، خانوادگی یا شبکه‌های اجتماعی، مسلمانان می‌توانند از این الگو برای کاهش تنش‌ها استفاده کنند، مانند پاسخ نرم به انتقادات یا دسترسی‌پذیری برای شنیدن مشکلات دیگران. این امر می‌تواند به کاهش خشونت کلامی و تقویت سلامت روانی جامعه کمک کند، به ویژه در جوامع چندفرهنگی جایی که تفاوت‌ها می‌توانند منجر به درگیری شوند.

۲. مدارا

این ویژگی در عصر حاضر، مسلمانان را به سمت، همزیستی مسالمت‌آمیز و رعایت حقوق اقلیت‌ها در جوامع اسلامی هدایت می‌کند. در کشورهای غربی با جمعیت مسلمان مهاجر، اعمال مدارا می‌تواند به کاهش اسلام‌هراسی کمک کند، مثلاً از طریق گفتگوی سازنده با غیرمسلمانان یا تحمل دیدگاه‌های مخالف در سیاست و رسانه.

۳. وفای به عهد

در دنیای امروز پر از قراردادهای تجاری، روابط بین‌المللی و تعهدات شخصی، این ویژگی مسلمانان را به سمت قابل اعتماد بودن، می‌برد. برای مثال، در کسب‌وکار، سیاست یا ازدواج، پایبندی به وعده‌ها می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد و از فساد جلوگیری کند. تحقیق اشاره دارد که این امر پایه تمدن اسلامی بوده، بنابراین در سبک زندگی معاصر، می‌تواند به تقویت اقتصاد اخلاقی و روابط پایدار کمک کند، به ویژه در جوامعی که بی‌اعتمادی اجتماعی شایع است.

۴. الگوی شایسته

این ویژگی جامع، مسلمانان را ملزم می‌کند تا تمام ویژگی‌های فوق را در زندگی روزمره ادغام کنند، مانند الگوگیری از پیامبر در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی. در عصر دیجیتال، این می‌تواند به معنای استفاده از رسانه‌ها برای ترویج ارزش‌های اسلامی باشد، یا در آموزش فرزندان، جایی که والدین سیره پیامبر (ص) را به عنوان مدل رفتاری معرفی می‌کنند. زیرا که بدون الگو، کمال‌طلبی ممکن نیست، بنابراین در سبک زندگی معاصر، این امر می‌تواند به مقابله با چالش‌هایی مانند سکولاریسم و مادیگرایی کمک کند و زندگی معنوی‌تری بسازد.

۵. مشاوره و مشارکت بخشی در امور اجتماعی

در دنیای دموکراتیک امروز، این ویژگی مسلمانان را به مشارکت فعال در سیاست، جامعه مدنی و تصمیم‌گیری‌های محلی تشویق می‌کند. برای مثال، در کشورهای اسلامی یا جوامع مسلمان‌نشین، اعمال شوری می‌تواند به حل مسائل اجتماعی مانند فقر یا آموزش کمک کند.

در نهایت این ویژگی‌ها نه تنها شخصیت پیامبر (ص) را به عنوان مظهر رحمت و اخلاق نشان می‌دهند، بلکه نقش تحول‌آفرین ایشان را در جامعه اسلامی متذکر می‌شود. در دنیای معاصر، با چالش‌هایی مانند جهانی‌سازی، درگیری‌ها و فردگرایی، مسلمانان می‌توانند از این الگوها برای ساخت سبک زندگی‌ای استفاده کنند که بر پایه اعتماد و



همدلی، استوار باشد. این امر می‌تواند به کاهش افراط‌گرایی و رشد مشارکت و وحدت اجتماعی کمک کند، و نهایتاً جامعه‌ای شبیه به مدینه النبی بسازد. تحقیق تأکید دارد که پیروی از این ویژگی‌ها منجر به "حیات طیبه" (زندگی پاکیزه) می‌شود، که در عصر حاضر می‌تواند به معنای زندگی پایدار و اخلاقی باشد.

نتیجه

در این تحقیق، ویژگی‌های پیامبر اعظم (ص) از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت و پیامدهای آن بر سبک زندگی مسلمانان معاصر تحلیل شد. قرآن به عنوان منبع اصلی هدایت، پیامبر (ص) را نه تنها به عنوان رسول الهی، بلکه الگویی کامل برای بشر معرفی می‌کند که سبک زندگی او حجت بر مسلمانان است. ویژگی‌های اعتقادی همچون توحید باوری، ایمان، توکل، باور به نصرت الهی و معادباوری، پایه‌های محکمی برای زندگی معنوی فراهم می‌آورند. این ویژگی‌ها، مسلمانان را به سمت تقویت هویت دینی سوق می‌دهند و در جوامع سکولار معاصر، از انحرافات فرهنگی مانند مادی‌گرایی غربی جلوگیری می‌کنند. برای مثال، توکل در بحران‌های اقتصادی یا سیاسی، استرس را کاهش می‌دهد و به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی منجر می‌شود، در حالی که معادباوری مسئولیت‌پذیری اجتماعی را افزایش می‌دهد و به کاهش فساد کمک می‌کند.

در بعد فردی، ویژگی‌هایی مانند خُلق عظیم، تواضع، صبر، امانت‌داری، استقامت و راستگویی، پیامبر (ص) را به عنوان انسانی کامل توصیف می‌کنند که خُلقش قرآن است. این صفات، در دنیای پر از رقابت‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی، مسلمانان را به پرورش فضایل اخلاقی تشویق می‌کنند. تواضع در برابر غرور، صبر در بحران‌های روانی مانند افسردگی ناشی از همه‌گیری‌ها، و امانت‌داری در روابط به ویژه مسائل اقتصادی، سبک زندگی پایدار و اعتمادمحور می‌سازند. راستگویی نیز در عصر اطلاعات غلط و گمراه‌کننده، به مقابله با شایعات و تقویت جامعه مدنی کمک می‌کند. این ویژگی‌ها نه تنها فردی، بلکه اجتماعی هستند و به کاهش تعارضات خانوادگی، اجتماعی و کاری منجر می‌شوند.

در جنبه اجتماعی، نرم‌خویی، مدارا، وفای به عهد، الگوی شایسته بودن و مشاوره در امور، پیامبر (ص) را مظهر رحمت و مشارکت نشان می‌دهند. این صفات در دنیای متنوع امروز، مسلمانان را به همزیستی مسالمت‌آمیز با همدیگر و نیز با اقلیت‌ها و غیرمسلمانان هدایت می‌کنند. مدارا در جوامع چندفرهنگی، وفای به عهد در قراردادهای بین‌المللی، و مشاوره در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به ساخت جامعه‌ای مبتنی بر اعتماد و همدلی کمک می‌کند. برای نمونه، الگوبرداری از نرم‌خویی در شبکه‌های اجتماعی، خشونت کلامی را کاهش می‌دهد و مشارکت در امور اجتماعی، تمدن اسلامی را احیا می‌کند.

در نهایت، این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که سبک زندگی پیامبر (ص) نه تنها تجویزی تاریخی، بلکه راهکاری ابدی برای چالش‌های معاصر مانند جهانی‌سازی، بحران‌های روانی و نابرابری اجتماعی است. مسلمانان با پیروی از این الگو، می‌توانند تعادل بین دنیا و آخرت را حفظ کنند و حیات طیبیه‌ای بسازند. بازگشت به سیره قرآنی پیامبر (ص)، کلید تحول اخلاقی جامعه است و می‌تواند جوامعی پایدار، اخلاق‌محور و هدایت‌یافته ایجاد کند. در دنیای پرتلاطم امروز، این الگوبرداری نه تنها فردی، بلکه اجتماعی و جهانی است و به وحدت امت اسلامی کمک می‌کند. بنابراین، مسلمانان معاصر باید این ویژگی‌ها را در زندگی روزمره جاری سازند تا به کمال انسانی دست یابند و جامعه‌ای شبیه به مدینه النبی بنا کنند.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۹۸۵) الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد، (۱۳۶۷ش) النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۸هـ) عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان
۴. ابن سعد، محمد. (۱۹۹۰). الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۰۴هـ) التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ.
۶. ابن عبدالبر اندلسی، یوسف بن عبدالله. (۱۹۹۲) الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بیروت: دارالجبیل.
۷. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴هـ) معجم مقاییس اللغه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۹۸۶) البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۳هـ) مدینه معاجز، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۹۸۵) دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶ش) تفسیر کوثر، قم: هجرت.
۱۲. حلبی، ابوالفرج نور الدین. (۱۴۲۷هـ) السیره الحلبیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳هـ) قرب الاسناد، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵ش) سیره نبوی منطق عملی، تهران: دریا، چاپ دوم.
۱۵. ذهبی، شمس الدین. (۱۹۹۳) تاریخ السلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبع الثانیه.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲هـ) مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷) تفسیرمهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی
۱۸. زحیلی، وهبه بن مصطفى. (۱۴۱۸هـ) التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
۱۹. زمخشری، محمد بن عمر. (۱۴۱۷هـ) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۲۰. سید قطب، ابراهیم شاذلی. (۱۹۸۸) فی ضلال القرآن، بیروت: دارالشروق
۲۱. شکاری، رقیه (۱۳۸۹ش). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: جامعه شناسان.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰هـ) المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸ش) سنن النبی صلی لله علیه و آله، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰ش) مکارم الاخلاق، قم: منشورات الشریف الرضی، چاپ چهارم.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹هـ) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۸هـ) تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث، طبع الثانیه.
۲۷. فاضلی، محمد (ش ۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران، نشر صبح صادق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹هـ) العین، قم: هجرت، چاپ دوم.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹هـ) الکافی، قم: دارالحديث.

۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸ش). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه موفقیان، ناصر، تهران: نی.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳ش) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
۳۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۴۰۹هـ) مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: دارالهجره.
۳۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶ش). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» فصلنامه تحقیقات فرهنگی شماره ۱.
۳۶. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹هـ) کتاب المغازی، بیروت: موسسه الاعلمی، طبع الثالثه.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۹ش) تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۸. یوسفی غروی، محمد هادی. (۱۳۸۳ش) تاریخ تحقیقی اسلامی، ترجمه حسین علی عربی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.